

بزرگداشت روز جهانی فلسفه
سلامتی و زندگی خوب: رویکردهای نظری
دوشنبه، ۱۰ آذرماه ۱۳۹۹

دیرماندگی امر بهداشتی و رازوارگی سلامت

علیرضا منجمی

گروه فلسفه علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

monajemi.alireza@gmail.com

در این گفتار به «دیرماندگی امر بهداشتی» و نسبت آن با «رازوارگی سلامت» خواهیم پرداخت. مرادم از دیرماندگی امر بهداشتی آن است که امر بهداشتی در پس پشت امر بالینی (کلینیکال) قرار دارد و این دیرماندگی نوعی نامهیا بودگی را رقم زده است که با نشانه‌های بی‌شمار آن در همه‌گیری کووید ۱۹ مواجهیم؛ در مقایسه پاندمی کووید ۱۹ و آنفلوآنزای اسپانیایی که یک‌صد سال باهم فاصله دارند شاهدیم که تکنولوژی پیشگیرانه (ماسک) تغییر محسوسی نکرده است در صورتی که در این بازه زمانی تکنولوژی‌های تشخیصی درمانی پیشرفتی غریب و مسحورکننده کرده‌اند، بدان گونه که تکنولوژی تشخیصی درمانی یک‌صد سال پیش اشیایی موزه‌ای‌اند. افزون بر این، نشانه‌های فراوانی از نامهیا بودن سایر حوزه‌ها همچون علم، سیاست، فرهنگ و اجتماع هم به چشم می‌خورد. دیرماندگی امر بهداشتی هم در سطح نظری (تئوریک) هم در سطح عملی (پراکتیکال) و هم در سطح نهادی قابل تبیین است، اما بن‌مایه آن این است که سلامت چنان که گادامر نشان داده است امری رازواره و مستور و فراچنگ جهان علمی تکنیکی نمی‌آید. آنچه به ابژه علم پوزیتیو درمی‌آید نه سلامت که بیماری است. از این رو جهان علمی تکنیکی در مواجهه با سلامت آن را به‌مثابه «وضعیت فقدان بیماری» فهم می‌کند. دیرماندگی امر بهداشتی برای جبران این نامهیا بودگی، لاجرم امر بهداشتی را در قالب امر بالینی بازآرایی و بازفهم می‌کند و به بیان دقیق‌تر طبی‌سازی امر بهداشتی رخ می‌دهد. از این رهگذر امر بالینی که در قالب نظریه، کارورزی و نهاد، سامان‌مند و مهیاست کار را برعهده می‌گیرد. این رخداد در سپهر عمومی هم پذیرفته و رواست. به‌بیان دیگر هم جامعه آمادگی دارد برای مشکلات خود به بیمارستان مراجعه کند و هم بیمارستان آماده پذیرش و مداخله است. باید توجه داشت همه‌گیری (اپیدمی) به‌مثابه تهدید بهداشت عمومی چنین زمینه‌ای را برای تبدیل امر بهداشتی به امر بالینی فراهم می‌کند، غافل از آنکه اپیدمی است امری فربه از صرف شیوع بیماری در سطح وسیعی از جمعیت است و از این رو صرفاً به امری بالینی قابل فروکاست نیست و لاجرم تدبیر آن هم صرفاً با فراهم آوردن نیازهای تشخیصی درمانی میسر نمی‌گردد مگر آنکه در چارچوب امر بهداشتی فهم شود. این فهم هم در بعد سیاسی و هم در بعد فرهنگی اجتماعی و هم در بعد معرفتی لازم است. همه‌گیری شیوع بیماری مشخصی است در زمان و مکان مشخص است و لاجرم ابعادی غیر زیست‌پزشکی دارد که غفلت از آن تدبیر و مداخله در مهار همه‌گیری را مخدوش می‌کند و بسیاری از ناکامی‌ها در تدبیر همه‌گیری

از همین امر ناشی می‌شود. افزون بر این طبی‌سازی امر بهداشتی چند پیامد اصلی دارد همچون بیم سلامت یا اضطراب سلامت؛ یعنی چنان از سالم نبودن خود بیمناکیم که دیگر سالم نیستیم. این از آن روست که برای فهم سلامت باید در جستجوی بیماری باشیم. موارد متعددی از چنین پدیده‌ای را فراوان در همه‌گیری کرونا تجربه کرده‌ایم. این اضطراب سبب می‌شود که نظام خدمات درمانی با باری بیش‌ازحد خود مواجهه شود که فرسودگی حرفه‌مندان را در پی خواهد داشت؛ و این خود در چرخه‌ای معیوب همان مشکلات را دوچندان می‌کند. بدین‌سان آنچه از آن به‌عنوان دیرماندگی امر بهداشتی سخن گفتیم در بستری تاریخی خود را بازتولید می‌کند.

واژگان کلیدی: دیرماندگی امر بهداشتی، امر بالینی، رازوارگی سلامت، طبی‌سازی، همه‌گیری، گادامر

